بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد

الحمدالله که شاکریم

مفهوم وغایت و ضرورت پرورش لحن تشویقی:

تحریک و ترغیب کودک به انجام کارهای دشواری که دوست ندارد، بطوری که با نشاط و خوشایندی و رضایت درونی به انجام آن تمایل پیدا کند. در گام اول ،کودک را بایدمتوجه نعمت ها و موقعیت های خوب زندگی و رفتارها و اعمال خوب دیگران کرد به گونه ای که ذوق و شوق یا خوشحالی و رضایت درونی خود را از دیدن اینها ابراز کند و این توانایی را بدست آورد که بتواند این نعمت ها یا موقعیت ها تحسین کند و قدر آنها را بداندو به درستی از آنها بهرمند شود. همچنین از گفتارو رفتارهای طیب و شایسته افراد تشکر و قدردانی و در نهایت الگوسازی کند، به عبارتی دیگر با رغبت و خشنودی کار آنها را ادامه دهد. کودک باید قادر باشد زیبایی ها را ببیند و نسبت به آنها بروز و واکنش داشته باشد. نباید نسبت به اطراف خود بی تفاوت باشد. یا نسبت به داشته هایش ابراز ناشکری و ناخشنودی و کمبود کند و قدر ناشناس باشد. اگر کلام یا لحن تشویقی در کودک به درستی فعال و شکوفا نشود، لحن طعنه و سرزنش جای آن را می گیرد که اصلی ترین آسیب آن بی اعتمادی کودک نسبت به خود و دیگران است. به عبارتی کودک نسبت به توانمندی ها و تلاش های خود تردید پیدا می کند و کرامت نفس خود را از دست می دهد. همچنین نسبت به پدر و مادر و اطرافیان در حمایت و تامین نیازهایش بی اعتماد شده و حس ناامنی خواهد کرد و به این ترتیب در رشد توانمندها و ظرفیتهای فطری اش دچاراختلال و کندی می شود.

آنچه در لحن گفتاری و رفتاری والدین همواره باید آن ها را مراعات کنند و به عبارتی تمرین های سلبی است که حس ناامنی عاطفی و عدم کرامت نفس را در کودک موجب می شود:

-هرگز کودک را سرزنش نکنند.

-هرگز عیب و ایراد شخصیتی یا نقص کار او را بخصوص در حضور دیگران بیان نکنند.

-تحقیر و سرکوب کودک ممنوع

-ناامید و دلسرد کردن کودک ممنوع

- مقایسه کردن او با همسالان و دیگری را برتر از او دانستن ممنوع

-تمرین های رفتاری و ایجابی لحن تشویقی که از حدود ۵ تا ۷سالگی باید با کودک انجام شود که این فعالیتها در دو حوزه :

۱-تحریک وسوق دادن کودک به شناخت نعمت وداشته هایش و

۲-ایجاد توانایی تشکر وقدردانی کردن ازآن ها و و ترغیب واکنش نشان دادن به آن ها.

 و در سه دسته فعالیت زیر تعریف و تقسیم بندی می شود:

۱-شناخت توانمندی های درونی و اتکا به آنها، که سبب عزت نفس(کرامت نفس) و حس خودارزشمندی کودک می شود.

۲- شناخت نعمت ها موجود در هستی: طبعیت، خوردنی ها و نوشیدنی ها، و یادگیری نحوه شکرگزاری و بهره مندی درست از آنها

۳- شناخت نعمت وجود پدر و مادر و خانواده و دوستان و یادگیری نحوه قدر دانی و تشکر از آنها، که به کودک حس امنیت عاطفی می دهد و موجب رشد توانایی های اجتماعی و تفکری و نیز استقلال کودک می شود.

 \*زمان وترتیب استفاده از تمرینهای زیر برای هر دوره سنی هم می تواند بر اساس ترتیب ارائه شده باشد، و هم با توجه به آمادگی و ظرفیت کودک برای هر کدام و یا بر اساس شرایط و موقعیتهای پیش آمده برای هر تمرین می توان برنامه ریزی و استفاده کرد. مثلا تمرینهایی که وابسته با مناسبت ها یا موقعیت های خاصی است. مدت زمان انجام هر تمرین هم بستگی به یادگیری تمرین از طرف کودک و واکنش مطلوب او در این تمرین می تواند متفاوت باشد و از یک ماه تا ۳ ماه متغییر باشد و نیز زمان و نوع تمرین بر اساس شاکله کودک کم یا زیاد شود یا تغییر کند. مادریا مربی باید به اهداف مورد نظر در تمرین توجه نماید.

۱- تمرین من به گلها آب می دهم.( ۵سالگی تا ۵.۳)

 بااین تمرین ما سعی می کنیم کودک را به شناخت نعمت گل و گیاه ترغیب کنیم و باتشویق او به آبیاری وهمراهی در مراقبت از آنها، نحوه بهره مندی درست و شکرگزاری از این نعمت الهی را القا کینم.

اگر در خانه گل و گیاه آپارتمانی داریم، و مادرمی تواند با تهیه یک آبپاش برای فرزندش او را ترغیب به آبیاری و مراقبت از آنها بکند. یا خانه حیاطدار داریم و می توانیم یک باغچه کوچک داشته باشیم برای کاشت و مراقبت گلها، سبزیجات یا درختی که در آن است، حتما از کودک بخواهیم در آبیاری و کارهای مربوط به باغچه به ما کمک کند. در خلال کار میتوانیم در مورد گیاهان و گلها و خواص و فوایدی که برای ما دارند با او گفتگو کنیم. کار جملاتی مانند، به به چه گلهای زیبایی... چقدر خونمون با این گلها زیباتر شده... چه بوی خوبی... چه رنگهای قشنگی... به نظرت چرا برگهای این گل... به نظرت با این سبزی می تونیم یه کوکو سبزی خوشمزه درست کنیم... به نظرت میتونی از این گل خوشگل مراقبت کنی و ببریم هدیه برای مادربزرگ، او خیلی این گلها رو دوست داره....

و حتی وقتی به پارک یا فضای سبزی میرسیم توجه کودک را به سمت گیاهان وگلهای موجود در آن جا جلب کنیم.

۲- تمرین من کمک آشپز می شوم.(۵ سال و ۵.۶)

مادر از فرزند خود چه دختر یا پسر خواهش کند در پخت غذا یا کیک یا هر خوردنی دیگری به او کمک کند. مواد اولیه غذا را برا ی کودک معرفی کند. در هم زدن غذا، آوردن مواد از یخچال، حتی شستن ظرفهای استفاده در پخت غذا او را مشارکت دهیم. در خلال پخت غذا از او نظر خواهی کنیم و او را تشویق به نظردهی و تصمیم گیری ومنتظر نتیجه پخت.. کنیم. حتی از محصولات و سبزی های کاشته شده از باغچه چنانچه داریم استفاده کینم.وقتی غذا آماده شدن چون کودک شوق و ذوق دیدن نتیجه کار خود را دارد حتی در چیدن سفره هم کمک میکند. سر سفره از پدر بپرسیم غذا خوشمزه شده..بله چون آقا پسر یا دختر خانم گلم در پختش به مامان کمک کرده... به به از همیشه خوشمزه تر شده. چون شما به مامان کمک کردی.. در پایان که شکر خدا می کنیم حتما از فرزند خود بابت همکاری و همراهی تشکر و بوس و نوازش داشته باشیم تا همکاری او را ارزشمند جلوه دهیم.

در تکرار این فعالیت می توانیم با فرزند خود به خرید میوه و سبزی برویم و در انتخاب نوع میوه از او نظر خواهی کنیم، یا بگوییم میخواهیم دو مدل میوه بخریم یکی میوه مورد علاقه بابا که مامان میخرد و دومی میوه مورد علاقه پسر/ دختر گلم. کاربرد جملاتی به نظرت سبزی بخریم سر سفره با نهار بخوریم... این میوه که انتخاب کردی بخوری چی میشه،... قوی میشی...

۳- تمرین من پلیس میشم...پرستار میشم... مامان/ بابا می شوم.

بااین تمرین یا بازی به کودک مشاغل مختلف و مورد علاقه اش را معرفی می کنیم، سختی ها و فعالیتهای مربوطه و به خصوص شخصی که آن کار را انجام میدهد را معرفی و از او تشکر میکنیم.

مادر تلفن رو برداشته و بطور فرضی با مرکز پلیس تماس گرفته و صحبت می کند. به طور فرض الو سلام آقای پلیس...ما چندتا از ماشین ها مون رو گم کردیم. شما لطف می کنید برامون پیدا کنید. بعد مادر گوشی را گذاشته و رو به پسر خود می گوید اااا سلام آقای پلیس چه زود رسیدید... ممنون که اومدید.. ماشین قرمز و سبز ما گم شده ... فکر کنم آخرین بار توی آشپزخونه دیدمشون.... و در حالیکه پسر به سمت آشپزخانه و به دنبال ماشین میرود ومادر به دنبال او و ماشین ها را پیدا کرده و در کمد اسباب بازی ها می گذارند... مادر از اقای پلیس تشکر و او راتحسین می کند که به آو کمک کرده است...

یا اگر پدر یا مادر مریض است، با مخاطب قرار دادن دختر خانواده به فرض این که او پرستار است، از او در آوردن دارو و غذا دادن به پدر، بالش و پتو آوردن و دیکرکارهای مراقبتی کمک بخواهیم. و حتی به فرزند خود ضرورت خوردن دارو و غذاهای مفید را برای بهبودی تبیین و انتقال دهیم .و بعد از بهبود یافتن پدر حتما از دخترش تشکر کند و بهبودی خود را نتیجه مراقبتهای او بداند. اگر فرزند ما خواهر یا برادر نوزاد و کوچکتر از خود دارد در مراقبت و غذا دادن به او از فرزند خود همراهی بخواهیم. بازی قدیمی به نام خاله بازی... که کودک در نقش مادر یا پدر خانواده بعضی از وظایف او را انجام می دهد. مادر و دختر می توانند با جابجایی نقش های خود این بازی را انجام دهند. یا مادر در نقش مهمان به خانه فرزند برود و کودک از او پذیرایی کند، تا هم آداب مهمانداری و احترام به مهمان را و هم سختی و وظایف نقش مادری را درک کند.

۴- تمرین من خودم اسباببازی هایم را جمع می کنم.

 تشویق کودک به نظافت وجمع کردن اسباب بازی و وسایل استفاده شده با بازی الو مرکز...

معمولا با این بازی کودک، شوق و هیجان پیدا می کند تا وسایل بهم ریخته خود را جمع کند. البته مادر باید باتوجه به شرایط و موقعیتی که دارد خلاقیت به خرج دهد و موقعیت را مدیریت کند.

مادر: الو مرکز... اینجا یه عروسک نیاز به کمک داره تا برگرده به خونش. می تونید بهش کمک کنید. در این موقع دختر کوچولو با هیجان عروسک رو برداشته و سر جای خود می گذارد.

الو مرکز... از مامان به دختز کوچولو.. اینجا تعدای حیوان در حال غرق شدن هستن و نیاز به کمک دارن( اسباب بازی ها روی مبل آبی پراکنده هستند) دختر کوچواو سریع خودش رو رسانده و جمع می کند. یا حتی شعرهای تحریک کننده برای تشویق کودک به جمع کردن وسایلش بخوانیم. مثل:

جمع بشه و جمع بشه اتاق مرتب بشه

خونه منظم بشه. دل مامان شاد بشه

سهم منم یه بوووس آبدار بشه...

قطار، قطار مورچه... راه افتاده تو کوچه...بارش چیه؟ قند و نبات. کلووووووچه

راه افتاده تو خیابون.... کلی ماشین.... یک و دو و سه... وای ده تا..... درست کرده ترافیک.... بوق و بوق و بوق صدا می کنن... همسایه رو بیدار می کنن... یه امبولانس با مریض داره میاد از اون عقب.... راه باز بشه...راه باز بشه... مریض ما زود برسه....

۵- تمرین من می تونم...

در این تمرین مادر با توجه به اینکه کودک او در انجام چه کارها یا تکالیفی بی رغبت است و مشکل دارد. مثلا کودکی که مایل به مسواک دندانهایش نیست، یا رغبتی به حمام رفتن ندارد و یا... فرزند خود را با خواندن قصه. نقاشی یا بازی متوجه نتیجه خوش یا ناخوش کار خود کرد و او را تحریک به انجام مسئولیت خود کرد.

مثلا نقاشی یک صورت با دهان باز و دندانهای بزرگ بکشیم یاعکس آنرا روی کاغذ بچسبانیم و در یک کاور پلاستیکی قرار دهیم و با یک ماژیک چند تا از دندانها را سیاه کنیم و از کودک بخواهیم با مسواک آن ها را پاک کند. و در این حین که کودک متوجه تمیزی و زیبایی دندانها و صورت می شود با جملات ترغیبی مثل به به چه دندوهای تمیزی... چه چهره قشنگی... حالا دیگه می تونه با دندوناش راحت و بدون درد غذا بخوره... کودک را بیشتر ترغیب به مسواک کردن کنیم. یا برای ترغیب به حمام کردن، چندتا ماشین یا عروسک یا حیوان رو برداریم و اعلام کنیم میخواهیم ماشین ها رو به کارواش ببریم و بشوریم یا ... و در حین شست و شو با جملات ترغیبی او را تشویق کنیم، مثلا: به به ماشینهات چه تمیز شدن چه بوی خوبی میدن. میخای شما هم مثل ماشینهات تمیز خودت رو بشوری. و اجازه بدیم خود کودک به هر نحوی که دوست دارد خود را بشوید حتی اگر فقط آب بازی و کف بازی کند نه حمام.

\*به یاد داشته باشیم برای ایجاد تمایل وعلاقه در کودک در کارهایی که دوست ندارد، اگر او به سمت انجام آن رفت، اجازه بدهیم خود کودک در مورد نحوه انجام کار تصمیم گیری و عمل کند حتی اگر از نظر ما، کارش پر از نقص و ناکامل انجام دهد، چراکه از نظر خودش کارش درست و کامل است. از کارش ایراد نگیریم و سعی نکینم اصلاح کنیم تا دفعات بعدی نواقص را نه مستقیم بلکه به صورت پیشنهادی و انتخابی برطرف کنیم. مثلا: مامان فک میکنی اگه اول سرت رو بشوری بهتره یا لیف بکشی....

۶- تمرین من مسجد میروم.

 مادر در نزدیکی خود مسجدی پیدا کند که در آنجا مهد یا محلی برای نگهداری و بازی بچه ها وجود دارد. کودک می تواند در آنجا دوست یا همسالانی پیدا کرده و با آنها هم بازی شود و حتی برای روزهای آینده برنامه ریزی و ذوق و شوق پیدا کند.مثلا تشکیل گروه سرود برای مناسبتهایی مثل اعیاد دینی و دهه فجر و استفاده از ریتم و وزن در خواندن سرود های حماسی و انقلابی یا حتی همخوانی قرانی یا صلوات و تمرین های دست جمعی و شاد بچه ها. در نهایت اجرای سرود در مسجد و شاید دریافت هدیه ای کوچک خاطره لذت بخشی در ذهن کودک ثبت کند( همان طور که یکی از شیرین ترین دوران مدسه برا ی پدر و مادرها، جشن های دهه فجر در مدرسه است.) با این قبیل فعالیتها، کودک هم مسجد را محل شاد و دوست داشتنی تصور می کند و هم روابط اجتماعی و دوستی خود را تقویت می کند. این تمرین را میتوان با رفتن به جاهایی مثل هیئت های خانگی و تشکیل هییت کودکانه، امامزاده ها و زیارت امام رضا ع و ... تعمیم داد و مادربا داشتن برنامه منظم و تکراری در رفتن به این اماکن طیب و خاطره سازی خوشایند در آنها، در تشویق و علاقمندی فرزند خود موفق تر خواهد بود.

۷- تمرین من کتاب را دوست دارم.

مادرفرزند خود را، هر چند وقت به نمایشگاه یا فروشگاه کتاب برده و در انتخاب کتاب بین چند کتاب مناسب او را آزاد بگذارد. حتی خرید کتاب را پاداش کار یا عمل خوب او تعیین کند، مثلا: اگر فردا صبح بتونیم یه کم زود از خواب بلند بشیم و زودتر به خرید بریم می تونیم یه سر هم به نمایشگاه کتاب که مسجد برپا کرده بزنیم. شاید جندتا از دوستات هم انجا باشن.

در جمع دوستان او برای شان کتاب بخواند. در جمع دیگران،خاطره کتاب خریدن خودشان را با هیجان تعریف کند و از علاقه و هیجان فرزندش برای خرید و خواندن کتاب حرف بزند.

۸- من به عیادت دوستم می روم.

اگر فرزند ما در همسایگی یا مسجد یا پارک دوست نزدیکی دارد و مریض شده است. می توانیم همراه با او و با تهیه یه کاردستی یا نقاشی به عیادت او برویم.یا باهمکاری و مشارکت فرزند خود کیک یا سوپ برای دوستش تهیه کرده و با خود ببریم. به فرزند خود با جملات ترغیبی القا کنیم که کار او چقدر پسندیده و نیکوست. جملاتی مثل: میدونی چقدر دوستت رو خوشحال میکنی، آخه اون نمیتونه مثل شما بیاد بیرون و بره پارک. درعوض ما میریم خونشون تا باهاش بازی کنیم و خوشحالش کنیم. در راه برگشت از کودک خود به خاطر این کارش تشکر کرده و بوس بارانش کنیم. یا به عیادت مادر بزرگ یا عمه یا دختر خاله... او راببریم.

۹- من برای خاله هدیه میخرم...

اگر فرزند ما خواهر یا برادر بزرگتر مدرسه ای دارد یا خاله و عمه مدرسه ای، که در امتحانات مدرسه با نمرات خوب رتبه آورده یا در مسابقه ای برنده شده یا کار خوبی انجام داده که نیاز به تشویق و پاداش دارد. از فرزند خود بخواهیم برای او نقاشی یا کارت تبریک درست کند و با هدیه که خریدیم. به او دهیم و به فرزند خود بگوییم که ما به دلیل کار یا تلاش او داریم ازش تشکر میکنیم و بهش پاداش می دهیم و با عمل خود به او القا کنیم که هر کسی کار خوب انجام بده شایسته پاداش و تشویق هست.

۱۰-من صبورم... سخت تلاش می کنم.

 بازی های دشواری که نیاز به ممارست و تلاش دارد و کودک را متوجه توانمندیهای و شایستگی های درونی اش می کند و به او القا می کند که تلاش و سخت کوشی انسان را به اهداف و پاداش نزدیک می کند.مثل: بازی که کودک باید با قاشقی در دهان چند تخم مرغ رو از مسیرهای تعیین شده که مرحله به مرحله سخت تر و پیچیده تر می شود، عبور دهد و زود تر از بقیه دوستانش برسد بازی را می برد.

۱۱-من به گلزار شهدا میروم.

یک روز مناسبتی در مورد شهدا و ترجیحا همراه با چندتا از دوستان فرزند خود و مادرانشان، به گلزار شهدا برویم. از میان مزار شهدا و دیدن عکسهای آنها عبور کنیم. به کودک خود بگوییم که ما برای تشکر و قدردانی از کسانی که اینجا هستند آمده ایم. از شهدا برای فرزند خود الگو و قهرمان بسازیم. مثلا از او بخواهیم یک شهید را بعنوان دوست خود انتخاب کند. با خرید لباس رزمی شهدا برای فرزند خود به او کمک کنیم در این الگو سازی، ظاهر خود را به شهید نزدیک تر کند. کتاب زندگی شهید را برای او تهیه کنیم. قصه اش را بخوانیم. کارهای پسندیده شهید را در شرایط مناسب برای کودک خود بیان کنیم. به تخیل کودک در اسطوره سازی از شهید کمک کنیم. وهر چند وقت یک بار رفتن به گلزار شهدا را تکرار کنیم. چند عکس از شهدا و کتاب زندگی آنها را تهیه کنیم. یک البوم از عکسهای شهدا با کمک فرزند خود تهیه کنیم. از جاهای مختلف عکسهای شهدا را برش زده در آلبوم بچسبانیم. هر چند وقت داستانی از زندگی شان بخوانیم و عکسهای بیشتری به آلبوم اضافه کنیم.

۱۲-تمرین من دیگران را دوست دارم...

 القای بخشندگی و دوست داشتن و احترام و کمک به دیگران. شرکت در جشن نیکوکاری یا جمع آوری کمک برای زلزله زدگان یا سیل زدگان همراه با کودک مثلا در مسجد محله وصدقه دادن و بیان دلیل این کار.

۱۳-تمرین من از بابا تشکر می کنم.

داشتن رفتارهای قدرشناسی و بکاربردن جملات تشکرآمیز در خانه نسبت به همه اعضای خانه، کودک را در داشتن اینگونه رفتارها الگودهی و ترغیب می کند. مثلا به مناسبت روز پدر یا تولد او، همراه کودک خود برای پدر شاخه گلی بخریم. یا به فرزند خود کمک کنیم یه قاب عکس با مقوای رنگی و روبان و گلهای کاغذی و... برای پدر درست کند و عکس خود و پدر یا عکس خانوادگی در آن گذاشته و همراه گل به پدر هدیه دهد. با کمک کودک کیک درست کنیم. خانه را تزیین کنیم. در خلال این فعالیتها می توان از مهربانی ها و زحمات پدربرای کودک حرف زد و او را آگاه کرد واز پدردر ذهن او مردی بزرگوار، با تدبیر و قوی ساخت. به فرزند خود بگوییم که چقدر با این کار پدر را خوشحال می کنیم وضرورت تشکر و قدردانی ازاو را در لابلای حرفهای خود به کودک بفهمانیم.

یا همین کار را پدر با فرزند خود برای مادر انجام دهند. حتما در تهیه هدیه و انجام کارهای مربوطه از فرزند خود نظرخواهی کنیم و مسئولیتهایی به او بسپاریم.

۱۴-تمرین من دوستم را تشویق می کنم.

بازی با هدف تشویق و تقویت کودک نسبت به همگروهی و دوست خود انجام می شود و اورا به همکاری، کمک و تشویق دوست خود علاقمند و تحریک می کند.

بچه ها در چند گروه دو نفره گروه بندی شوند. قانون بازی به این صورت است که هر کسی به هم گروهی خود در انجام فعالیت و بازی اش کمک کند و او را در برنده شدن و موفقیت در آن تقویت یا تشویق نماید. امتیاز آن بازی که همگروهی انجام داده به او تعلق می گیرد.( می توان امتیاز را بطور کل برای گروه دو نفره آنها در نظر گرفت. یا بین آن دو نصف کرد. بهرحال کودک متوجه شود هر امتیازی که یار او در بازی می گیرد در برنده شدن او هم موثر است.) بهتر است بازی دارای مراحل بهم پیوسته باشد و برای هر مرحله فعالیتهای متنوعی تعیین شود.

هر گروه مثلا ۴ بازی انجام میدهند و هر کدام از بچه ها یک در میان ۲بازی انجام میدهند و یار دیگر او باید او راتشویق و یاری کند تا امتیازباز را یگیرند.

بازی اول: محمد باید یک نقاشی از خود و همگروهی اش بکشد در ۱۵ دقیقه( اگر زودتر تمام کرد به مرحله بعد می رود و زمان اضافی را بصورت امتیاز دریافت میکند و اگر ناقص ماند همانطور باقی می ماند و به مرحله بعد میرود) علی هم گروهی او باید ار را راهنمایی کند، مثلا چشمش رو جگونه بکشد یا دست را چونه بکشد که بهتر و زودتر تمام بشه. به او بگوید آفرین این طوری بکش. خوبه داری تموم میکنی. دقت کن ابروهاش رو نکشیدی...

بازی دوم: علی باید نقاشی محمد را در ۱۰ دقیقه تمیز و طبق قانون بازی رنگ کند. اگر زود تمام شد. زمان اضافی را بصورت امتیاز هر دو دریافت می کنند. و اگر ناقص، همان گونه به مرحله بعد می روند. در این بازی محمد باید بدون این که به مداد رنگی و نقاشی دست بزند با جملات تشویقی و راهنمایی خود علی را در تمام کردن رنگ آمیزی کمک و تحریک کند. مثلا رنگ لباسهایش را با او بگوید و ...

بازی سوم: محمد باید برای نقاشی که کشیده یه قاب عکس درست کند و علی باید به او کمک کند که قاب عکس زیبا درست کند و زود تمام کند و وسایل و رنگهای مورد استفاده را برایش بیاورد

بازی چهارم: علی هم باید برای نقاشی قاب عکس درست کند و محمد به او کمک کند...

در انتها بقیه گروهها باید انتخاب کنند کدام گروه قاب و نقاشی زیباتری آماده کرده اند و امتیاز بیشتری میبرند. هر گروه قاب عکس زیباتری داشت آن را به عنوان جایزه می برد و یا...

یا بازی کمکم کن گنجم را پیدا کنم....در این بازی چند گروه دونفره برای پیدا کردن گنج با هم رقابت می کنند. هم گروهی ها بدون حرف زدن باهم باید با اشاره یا حرکات بدن و... همدیگر را راهنمایی کنند.علی می داند گنج کجاست و محمد نمی داند، علی باید محمد را راهنمایی و تشویق کند که گنج را پیدا کند.علی در حل کردن معماهای بازی و گذر از مسیرهای بازی و یا انجام سریع بازی و زودتر از بقیه گروه ها به گنج رسیدن، محمد را تشویق و کمک کند.گنج جایزه بازی است و اگر پیدا کنند بین هر دوی آنها تقسیم میشود. می تواند خوراکی یا وسیله بازی و ... باشد.

۱۵- من خودم اسباب بازی درست می کنم.

تشویق کودک به یادگیری،فکر کردن، کشف کردن، خلاقیت داشتن، تلاش کردن برای رسیدن به هدف. محیط اطراف کودک را باید طوری بر

نامه ریزی کرد یا موقعیتهایی برای او ایجاد کرد که کودک را به کشف و یادگیری تحریک و علاقمند کرد.

مادر: بذاز ببینم با این قوطی کمپوت چی کار میشه کرد. یا با این چوب بستنی ها...نظرت چیه پسر گلم؟

کودک( ماشین خیلی دوست دارد): مثلا چی... یه ماشین یه کامیون.... میشه مامان...میشه؟!

مادر: خودت چی فکر میکنی؟ می تونی... بیا شروع کنیم... اگه خواستی منم کمکت میکنم.....

مثلا با چوبهای بستنی، سنگهای مختلف، کاغذ رنگی، در بطری و خود بطری آب یا ظروف و قوطی های بسته بندی غذا، تکه پارچه وهر چیزی ...خودش وسیله بازی درست کند وو حتی هدیه دهد.

\* در خلال تمرین ها و فعالیتها باید مادربه استفاده از کلمات تشکرآمیز مانند: لطفا، خواهش می کنم، تشکر، ممنون، به به...چه زیبا...چه مرتب..چه جالب، احسنت، آفرین، بهت افتخار می کنم و عالیه، خیلی خوب... توجه داشته باشد.

\* در خلال تمرین ها بطور ضمنی یا کلامی توجه کودک را به نعممت ها یا موقعیت های خوشایند و امکانات موجود جلب کنیم و قدردانی و تشکر را بخاطر آن ها به او القا کنیم.

\* مادر یا مربی باید به کودک القا کنند که تشویق و تحسین های آن ها به دلیل عملکرد و تلاش های اوست نه نتیجه و پیروزی که بدست می آورد و در مواقع شکست و ناکامی کودک نیز، به او دلگرمی دادن و متوجه تجربیات لذت بخش فرایند کار کنند و امید و روحیه دادن به او را جایگزین سرزنش و ایراد گیری های خود بکنند.

\* مادر یا مربی باید توجه داشتته باشد جایزه مادی و پاداش های بیرونی وتعریف و تمجید از کارهای کودک نباید افراط کرده و آن ها را جایگزین تشویق و دلگرمی دادن به کودک بکنند، چرا که در این صورت او تمجید وتایید شدن توسط دیگران و پاداش های بیرونی را انگیزه تمام اعمال و موفقیت های خود می کند. این امر برعکس، موجب اضطراب و آشفتگی خاطر او شده و رضایت درونی و امنیت رااز او می گیرد.

\* تشویق نباید به معنای هل دادن و اجبار یا فشاربه کودک برای انجام کاری تلقی شود و همچنین مقایسه کردن و حس رقابت به کودک القا کردن نیز باعث می شود او موفقیت و رضایت خود را در رقابت و برتری همیشگی از دیگران ببیند و دچار اضطراب و حسادت و ناراحتی از موفقیت های دیگران شود.